

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۱ جولای ۲۰۲۲



یونس نگاه

اشک/عشق



در پست منسوب به استاد "مسعود" نوشته شده است که بعد از زلزله مشهور ترکمنستان در سال ۱۹۴۸ که باعث ویرانی بسیار شد و هفتاد هزار نفر را به کام مرگ برد، مردم نام عشق آباد را به اشک آباد بدل کردند. او گفته است که آن زمین لرزه به احتمال زیاد نتیجه آزمایش هسته ئی شوروی بوده است. بر اساس فرض استاد مسعود دانشمندان شوروی زمین شناسی شان ضعیف بوده و تصور می کرده اند انفجارها در مرز افغانستان باعث ایجاد لرزه به سمت افغانستان خواهد شد ولی این کار نشد و لرزه ها پس لگدی زده عشق آباد را ویران کرد. آیا واقعاً دانشمندان شوروی که بم اتوم می ساختند و به آسمان سفر می کردند، ساختمان زمین بین افغانستان و ترکمنستان را نمی شناختند؟

در نقشه می بینید که عشق آباد از مرز افغانستان چقدر

دور و به خاک ایران چقدر نزدیک است. اگر انفجارها در مرز افغانستان به امید ریزش لرزه به سوی افغانستان بوده

است چطور راهش را از خاک ایران هم کج کرده مستقیم به عشق آباد رفت؟ آیا این از نظر علمی ممکن است؟

در آن پست نام عشق‌آباد را که ترکمن‌ها آن را اشک‌آباد می‌گویند نیز به زلزله ربط داده مدعی شده است که ترکمن‌ها نام شهرشان را تبدیل کرده اشک‌آباد گذاشتند. اگر ترکمن‌ها آن قدر استقلال داشتند که در برابر فاجعه با تغییر نام شهر خود واکنش نشان دهند، پنهان‌کاری شوروی چه سود داشت؟

فرض کنیم همه این‌ها درست، آیا شوروی با آنهمه دشمن می‌توانست چنان فاجعه‌ای را پنهان کند؟ اگر ترکمن‌ها دندان روی جگر گذاشته تحمل می‌کردند، امریکا چرا فاش نکرد؟

در استانبول نیز عشق را آشک تلفظ می‌کنند. مثلاً همسران به همدیگر می‌گویند اشکم. یعنی عشقم. آیا استانبولی‌ها و دیگر ترک‌های غیر عشق‌آبادی هم به دلیل همان زمین لرزه تلفظ عشق را تغییر داده اند؟ چطور ممکن است تحولی چنان عمیق رخ دهد که تلفظ کلمات را در بین ترک‌زبان‌ها در چندین کشور تغییر دهد، ولی ترکمنستان هنوز از ترس برهم خوردن رابطه‌اش با روسیه آن را پنهان نگه دارد.

امیدوارم آن استاد مسعود، کدام استاد مسعود جعلی باشد. استاد مسعودی که در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها نامش شنیده می‌شود این یکی نباشد.

مسئله این است که تحصیل‌کردگان ما چرا به این چیزهای هوایی متعصبانه باور می‌کنند؟ چرا پرسیدن، انتقاد و سنجیدن چنین ادعاها بین تحصیل‌کردگان رایج نیست. رایج چه که حتی انتقاد از چنین بحث‌ها قابل تحمل نیست.

این متن‌ها را برای خود ما می‌نویسم و امیدی به اصلاح دستی نیست که آن متن فریبنده را نوشته است. این توطئه‌اندیشی ما را قربانی می‌سازد و ذهنیت‌های ما را خیال‌پرور و تنبل بار می‌آورد. برای تذکر دشمنی‌های حکومت پاکستان نباید خود را فریب دهیم و بر غفلت‌ها بیفزاییم. زمین‌لرزه واقعیت سرزمین ماست و به ساختمان زمین و موقعیت کشور ما ارتباط دارد. این را به جن، پاکستان، طالب و خدا ارتباط دادن فریب است. راه نجات دشنام به پاکستان و دعا به سوی آسمان نیست. راه نجات مبارزه با طالب و افکار تقدیرگرا است. راه نجات دفاع از علم و مکتب است تا بر طبیعت سرزمین خود حاکم شویم، بتوانیم زمین لرزه را پیش‌بینی کنیم، با توجه به خطرات هر منطقه معیارهای مشخص خانه‌سازی و انجینری معرفی کنیم تا آسیب‌پذیری پائین بیاید.